

فرهنگ شهروندی



روابط عمومی شورا و شهرداری شهریار

www.ShahriarCity.ir

مقدمه

شهروندی ایده ای است که در اروپای غربی زاده شده و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است. این موضوع یکی از فرآیندهای جامعه مدرن است و در عرف جامعه شناسی دارای مرزهای تعریفی خاصی است که عموماً برخاسته از نگرش عقلانی نسبت به قانون و حقوق افراد در جامعه است. شهروندی از جمله مفهوم هائی است که در هر محیطی عمل میکند اما به شرطی که امکاناتی که همراه شده و به آن تشخیص و وجود بخشیده است برای آن محیط تعریف شود.

شهروندی را میتوان از دو دیدگاه یاد و برداشت متفاوت مورد بررسی قرار داد که یکی ویژه بینش های اصالت فردی در جامعه های مدنی است و دیگری بیشتر به جامعه هایی تعلق دارد که به نوعی دارای بینش های جمع گرایانه هستند. مفهوم شهروندی به عنوان منزلت اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی شود که به موجب آن، شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم میکند (بر اساس و پیمان حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مندرج در اسناد بین المللی حقوق بشر) و این حقوق عبارتند از:

- ۱- حقوق مدنی، شامل آزادی بیان و برابری در مقابل قانون
- ۲- حقوق سیاسی، شامل حق رای دادن و ایجاد تشکل سیاسی و صنفی
- ۳- حقوق اقتصادی، دربرگیرنده رفاه اقتصادی و تامین اجتماعی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ بوسیله (مارشال) در لندن طی رساله ای به عنوان شهروندی و طبقه اجتماعی تبیین گردیده است. ایده شهروندی چنان که گفته شد پیشینه طولانی دارد و از قرن نوزدهم به بعد، بویژه پس از جنگ جهانی اول بوسیله حکیمان و فیلسوفان آلمانی و فرانسوی، رونق بیشتری یافته و پس از جنگ جهانی دوم گسترش پیدا کرده است.

همه آنانی که درباره جامعه مدنی بحث نموده اند به نوعی ناظر به حضور شهروند بوده اند اما فرد گرایان به شهروند تشخص بیشتری نسبت به جمع گرایان داده اند.

(دورکیم) فرد را در جمع و جمع را در فرد، تبلور یافته میدید و مارکسیست ها نیز دولت را حاصل اراده افراد در جمع می دانسته اند و بدین گونه آنان به نوعی منزلتی اجتماعی برای شهروندان قائل هستند.

(لوئیزورث) شخصیت شهروندان را شکل یافته از طریق گروه های ارادی، با اهداف اقتصادی، سیاسی، تربیتی، مذهبی، تفریحی و فرهنگی میداند ولی همه اینها را به کمک پایگاه های جمعی که در مجموع، سازمان اجتماعی را میسازد موثر در سازگاری و یگانگی شخصیت افراد عضو آنها دانسته و معتقد است که آنان بدین طریق به نیازها دست پیدا میکنند.

سازمان اجتماعی مبتنی بر ایده شهروندی میتواند گام مهمی در راه تفاهم بشری و ایجاد جامعه واحد جهانی و واحد برقراری عدالت اجتماعی و بطور کلی همه رویاهای دیرینه بشر در پرداختن مدینه فاضله انسانی برداشته، راه را برای وصول به

مفهوم عالی انسان هموار سازد. در واقع بایستی در شرایط موجود در جهت ایجاد سازگاری میان شهروندی، قومیتها و ملیت ها به نوعی تسامح فرهنگی و مدنی قائل شدند یعنی درمواقعی که به گونه ای بین قوانین و حقوق، اخلاق، عادات و سنتهای قومی و ملی تناقض وجود دارد و اگر موضوع عقلانیت به معنای اجتماعی آن مد نظر دو طرف قرار بگیرد طبعا چنین تسامحی آسان خواهد بود و این تناقضها کمک خواهد کرد تا بشر بتواند به مرحله های پیشرفته تری از مفهوم کنونی شهروندی ارتقاء یابد.

در ساختار شهروندی ۲۰۰۶ (شهروند چیست؟) اشاره شده است که شهروندی موضوع مورد مطالعه بسیار مناسب و خوب آموزشی در جامعه می باشد و هدف آن ارتقاء مهارتها و ارزش های والای انسانی و تسهیل کننده زندگی میباشد که دو بعد مهم آن حقوق و تکالیف می باشد که برای همه اقشار جامعه شامل شده و آغاز شروع آن از مدارس بوده و سپس به همه جا (سازمانها، جامعه و...) انعکاس داده می شود.

مفهوم شهروندی

در واقع طبق مفهوم شهروندی، همه اعضای جامعه بزرگی که بعنوان یک فرهنگ را به خود میگیرد شهروند نیز نامیده می شود و به وراثتی، از این منظر میتوان عنوان شهروندی را به همه قلمرو یک تمدن و فرهنگ سوق داد و گفت: شهروند ایرانی، شهروند غربی و... که چنین اطلاعاتی براساس نسبت تمدن و فرهنگ نیز حائز اهمیت می باشد یعنی از اولین و کوچکترین جامعه تا بزرگترین و عالی ترین آن می توان چنین عنوانی را بر اعضای آن صادق دانست.

واژه شهروند مرکب از دو کلمه (شهر) به معنای جامعه انسانی فرهنگمند و (وند) به معنای عضو وابسته و در اینجا بیانگر جزء خارجی و لازم شهر است که از این واژه مرکب معنای انتزاعی مناسبی بدست می آید که به نوعی در خود، بار عقلانی را داراست و در واقع بدین گونه بیان می شود:

- ۱- از پذیرش آگاهانه و دلیل مند، نسبت به عضویت در جمع حکایت میکند که بر مبنای توجیهاات خرد پسندی انجام گرفته باشد پس بر جهانگردی که در جامعه غیر خود باشد صدق نمی کند.
- ۲- قابلیت پذیرش در جمع و شمارش در ردیف دیگران را داشته باشد پس فقط شامل انسان می باشد.
- ۳- از وجود رابطه متقابل میان فرد و دیگران درک جامعه حکایت میکند درست مثل همان نسبت زبانی که میان (شهر) و (وند) موجب پیوند و رسانیدن معنا به شنوده خود باشد، پیوندی معنوی میان شهروند و جامعه احساس می شود که بیشتر از نوع فرهنگ و مشترکات انسانی می تواند باشد بنابراین مهاجریا رانده شده ای که بصورت پناهنده در میان جامعه ای دیگر به سر می برد شهروند این جامعه به شمار نمی آید مگر آنکه مدت زیادی بگذرد تا آن پیوند بوجود آید.

۴-۴- از وجود تعهدهای دوجانبه میان فرد و جامعه خبر می دهد که مهمترین آنها دو چیز هستند:

۵- الف) حفظ، تقویت، بکارگیری، دفاع و پاسداری از اصول ارزشی و هنجارهای رسمیت یافته جامعه توسط شهروند.

۶- ب) درپناه گرفتن وامکان رشد و توسعه دادن به شهروند توسط جامعه

۷- این تعهد ها ممکن است مکتوب ، مدون و بررسی شده و اعلام شده باشند چنان که در قوانین مدنی و حقوقی می بینیم و شاید نیز شفاهی و نامکتوب بوده و به نسل انتقال یافته باشد.

شهر و کلان شهر

شهر را باید دارای پیشینه ای لااقل ۷۰۰۰ ساله دانست که با فاصله نسبتاً اندکی یعنی درحد ۲ تا ۳ هزار سال از انقلاب نوسنگی ، با تغییر شکل تدریجی ، جماعت‌های روستائی دائم ظاهر می شود و بصورتی پیوسته تا امروز گسترش می یابند . شهرزیستگاهی است انسان ساخت و درزیر یک قدرت سیاسی مشخص که تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را درون خود جای می دهد فضاهای ویژه براساس تخصص های حرفه ای به وجود می آورد ، تفکیکی کما بیش مشخص و فزاینده میان بافت های مسکونی و بافت های کاری ایجاد می کند و فرهنگی خاص را به مثابه حاصلی از روابط درونی خویش پدید می آورد که درون خود ، خرده فرهنگ های بی شماری را حمل می کند.

شهر مسلماً یک گروه اجتماعی است که بهینه مشخصی را اشغال کرده و دارای ابزار فنی ، نهادها ، دستگاه های اداری و سازمانی است که آن را از سایر گروه ها جدا می کند ، شهرنمادی است که خود را تا اندازه ای مستقل از اهالی اش ، رشد داده و حفظ می کند، زیرا عاملی است در پاسخ دادن به برخی نیازهای اساسی که نه تنها به ساکنان محلی آن بلکه همچنین به پهنه گسترده تر و وابسته به آن تعلق دارد.

مفهوم کلان شهر به گونه ای از شهرهای جدید اطلاق می شود که جمعیت متراکم و ثروت بسیاری را در خود متمرکز نموده و عموماً به مثابه مرکز اصلی تصمیم گیری و تعیین برنامه ریزی های گوناگون اقتصادی ، اجتماعی در یک منطقه بزرگ و یا در یک کشور عمل مینماید.

بسیاری از برنامه ریزی های شهری و مسکونی از آن رو با مشکل روبرو می شوند که دست اندرکاران آنها درک روشنی از کارکردهای اجتماعی شهر ندارند آنها تلاش می کنند این کارکردها را صرفاً با انداختن نگاهی سطحی به فعالیتها و نیازهای موجود در صحنه شهرهای معاصر درک کنند در واقع پرسش این است که شهر را به مثابه یک نهاد اجتماعی چگونه باید تبیین کرد؟

شهر مجموعه ای است متشکل از گروه های نخستین و اتحادهای هدفمند جمعی : مورد اول را میتوان در اشکالی چون خانواده و محله مشاهده کرد که در تمام جماعتها دیده می شوند ، در حالی که مورد دوم ویژه شهر است.

و شخصیت یافته اند خود را تضمین می کنند و همه این گروه ها در ساختارهایی دائم و درون پهنه هایی نسبتاً محدود اسکان یافته اند.

ابزار فیزیکی اساسی برای وجود شهر عبارتند از یک کالبد ثابت ، مسکن پایدار، تاسیسات دائم برای گردآوردن ، تبادل ، ذخیره سازی و ابزار اجتماعی اساسی عبارتند از تقسیم اجتماعی کارگر نه فقط زندگی اقتصادی بلکه فرآیندهای فرهنگی رانیز تضمین میکند بنابراین شهر درمعنای کامل آن عبارتست از یک گستره جغرافیائی ، یک سازمان اقتصادی ، یک فرآیند صنعتی ، صحنه ای برای کنش اجتماعی و نهادی زیباشناختی از وحدت جمعی .

حقوق شهروندی

فصل سوم قانون اساسی از حقوق ملت نام برده است واصل دیگری از قانون اساسی که به مسائلی چون تشکیل شوراهای (فصل هفتم) حق حاکمیت ملت (فصل پنجم) انتخابات (فصل ششم) و برخی از مسائل دیگر می پردازد همگی مبتنی بر مشارکت از اهم مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران بوده است.

مفهوم شهروند (citizen ship) در شناخت ابعاد موضوع یک رکن است یعنی در مورد حقوق افرادی تعریف می شود که اتباع و شهروند یک کشور محسوب می شوند بنابراین شهروند به هر فرد مقیم یک کشور اطلاق نمی شود.

دوم اینکه وقتی از حقوق صحبت می شود منظور فقط حقوق اساسی بشر نیست بلکه جزئی از این حقوق در عرصه های مختلف زندگی را در بر می گیرد.

سومین نکته این است که در اکثر تعاریف ، مبنای حقوق نیز مشخص می شود به این معنا وقتی از حقوق شهروندی صحبت می شود اینجا صراحتاً نظام حقوقی یک کشور و مجموعه مقررات داخلی کشور در کنار تعهدات بین المللی مبنای حقوق شهروندی اعلام می شود.

نکته چهارم این است که اگر چه تعاریف حول حقوق شهروندی صورت می گیرد ولی هم در مفهوم جامعه شناختی شهروند و هم در اصول حقوقی مربوطه در مقابل حقوق تکالیف متعددی نیز وجود دارد که برخی از این تکالیف به (روابط مردم با مردم) و برخی به روابط (مردم با حکومت) مربوط می شود .

نکته آخر اینکه در تعاریف غایت شناسی حقوق نیز تعیین می شود. تعریف حقوق شهروندی از این دیدگاه عبارتست از مجموعه حقوق و امتیازاتی که به شهروندان یک کشور در چارچوب نظام حقوقی و اجتماعی آن کشور مبتنی بر کرامت انسانی و منع تبعیض (به عنوان دواصل بنیادی حقوق انسانها) و در جهت رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان اعطاء یا به رسمیت شناخته شده حقوق شهروندی هستند.

شهروندی و جامعه مدنی

شهروندی و جامعه مدنی دو مفهومی است که همواره با یکدیگر همراه بوده اند. در همین راستا بسیاری از اندیشمندان و در راس آنها هگل و مارکس ، جامعه مدرن را جامعه مدنی میدانند چون از این دیدگاه آنها مهمترین ویژگی جامعه

مدرن، پیوستگی تفکیک ناپذیر آئین شهروندی و مشارکتهای مدنی است در مرکز سیاسی - جغرافیائی به نام شهر و حرکت مردم در روند روبه رشد حیات مدنی به سمت تکوین جامعه مدنی است که از مفهوم town به مفهوم city میسریم. هابرماس جامعه مدنی را حوزه ای میداند که در آن تصمیم گیریها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در شرایطی آزاد و برابر صورت می گیرد. بنابراین قهرمان اصلی جامعه مدنی، شهروند است. شهروندی که به مشارکت از جمله حقوق اساسی وی به شمار می رود.

جامعه مدنی ترجمه civil society است این عبارت در دوران قدیم به معنای جامعه شهروندی بکار میرفته و نخستین بار در ادبیات سیاسی (روم باستان) به چشم میخورد. (سیسرون) در همین دروان از آن به دولت شهر یاد می کند و همین کلمه در قرون وسطی به معنای اجتماع سیاسی افراد بوده است.

در اندیشه مدرن، مولفه های مفهوم شهروندی را تبیین می کنند که بیش از هر چیز به نزدیکی شهروندی و جامعه مدنی تاکید دارند از جمله: تکالیف، وفاداری، مسئولیت، هویت، آموزش، نقش و... بنابراین تاریخ به ما میگوید که جامعه مدنی و آئین شهروندی مفهوم تازه نیست. در بارزترین تعاریف شهروندی، لغت نامه تفکر اجتماعی قرن بیستم، در باب شهروندی چنین آمده است:

ایده های مربوط به شهروندی در چندین دروه تاریخی، در دوره یونان و روم باستان، در شهر گونه های قرون وسطی و در شهر کهای زمان رنسانس وجود داشته است و اما شهروندی به معنای امروز آن اگر چه از تمامی مفاهیم تاثیر پذیرفته است اما ویژگی متمایزی نیز دارد و نخست اینکه شهروندی رسمی است که در تمامی جهان، کم و بیش به معنای عضو کشوری بودن با عضویت داشتن در محدوده دولتی ملی معنا میشود، دوم اینکه شهروندی بنیاد و جوهری است که بر پایه داشتن مجموعه ای از حقوق مدنی، سیاسی و بویژه حقوق اجتماعی تعریف میشود.

نظریات کلاسیک

دوفیلسوف بزرگ یونانی (افلاطون و ارسطو) مهمترین متفکرانی هستند که درباره شهروند شهروندی سخن گفته اند. نظریات افلاطون درباره شهر عمدتاً در دو کتاب جمهوری و قوانین ارائه شده است در کتاب قوانین، افلاطون در مورد ساختن (شهرهای نوین) نظریات متفاوتی میدهد مثلاً درباره محل استقرار شهرها او معتقد است که شهر باید روابط محدودی با بیرون داشته باشد تا هویت خود را حفظ کند و او معتقد بود که فاصله داشتن شهر از دریا مفید بوده زیرا نزدیکی به دریا باعث افزایش دادوستد و کاهش سطح اخلاقی شهروندان میشود و بیگانگی و اعتماد را ضعیف می کند. در واقع شهر افلاطونی یک شهر آرمانی و سیاسی می باشد.

ارسطو: از نظر او یکی از مهمترین عناصر شهر شهروندان میباشند و ارسطو اصل شهروندی را با اقامت فیزیکی در قلمرو یک حکومت یکی نمیداند. زیرا بیگانگان و بندگان نیز مقیم شهر میباشند بنابراین آنچه میتواند به مثابه شهروندی تلقی شود حق شرکت در تصمیمهای دولت و صلاحیت اعمال حاکمیت دولت است.

از ویژگی های مهم امتیاز دهنده به اصل شهروند ، نبودن تبعیض از نظر قومی ، جنسی ، مذهبی و نژادی است که موجب رشد افراد در جامعه می باشد. اصل شهروندی ، برنامه ای تعریف شده برای محیط اجتماعی آزاد ، پویا و قانونمندی است که بر اساس اقتضاهای خاص آن تحت شرایطی به معنا رسانی می پردازد و چندان مهم نیست که این محیط اجتماعی با چه نامی شناخته شده باشد و در چه حوزه ای مشروعیت یافته باشد. مثلاً اگر جامعه ای با این تشخصها در سطح جهانی به وجود بیاید یا در یک قاره یا کشور و یا حتی یک ایالت فدرال و خود فرمان ، عنوان شهروندی در آنجا صادق خواهد بود و نقش اصلی و اصولی خود را نیز عمل خواهد کرد. مهم این است که آن جامعه همان محیطی باشد که شهروندی برای آن تعریف شده باشد.

باید همه ملیتها و قومها و گروه های اجتماعی به مرزی از شفافیت و زلالی اندیشه و تفکر رسیده باشند که بتوانند مفهوم (ما) و منافع (همه) و تبلور هویت های فردی و کوچکتر را در هویت جمع ، درک نمایند تا اگر درجائی ارزشهای قومی ، با ارزشهای جامعه بزرگ و مطلوب در تناقض قرار گیرد ، بتوانند به آسانی مشکل را حل نمایند.

مسلم است که در جامعه های بسته ، متعصب و سنت پرست با فرهنگهایی که بار ارزشی آنها متناسب با نوع جامعه است شهروندی مفهومی نخواهد داشت. و همچنین در جامعه هایی نظام حکومتی آنها بر مبنای اصول عقلانی پی ریزی شده است بلکه از نوع حکومت های ابتدائی یا نیمه ابتدائی (استبدادی ، دیکتاتوری اقتدارگرا) است شهروندی معنائی نخواهد داشت زیرا آحاد جامعه از هیچ حقی برخوردار نیستند. شهروندی با هویت های اصیل ، حس سازگاری خوبی دارد و به نوعی با آنها سازگار شده ، توان مضاعف تولید می کند. شهروندی به مفهوم متعالی ، اقدامی است که به نهادهای سیاسی سامان یافته در طول زمان نیازمند است تا بتواند در همه جوامع با تمامی ابعاد ماهیتی خود تجلی کند و همچنین محتاج به اندیشیدن خوب و هوشمندی بالا می باشد.

حقوق شهروندی و مشارکت مدنی

تنظیم روابط اجتماعی در گستره پیچیده و پرتنوع کلانشهر ، ابعاد مختلف و بسیار مهمی دارد. نحوه ورود تعریف ، تثبیت و نهادینه شدن این روابط چند سویه ، روند (شهروندسازی) را معین می سازد و میزان موفقیت این روند امکان توسعه پایدار شهر را نمایان می نماید و در اضلاع متعدد این ارتباط ، شهروندان و دولت با اجزاء ، عناصر و نهادهای خاص خود وجود دارند. بنابراین رکن اساسی این تنظیمات به نوع رابطه دولت و شهروندان مرتبط میشود و قواعد تا تکمیل ، شفاف و قانونی شده این پایه اساسی ، باید گام نخست توسعه پایدار شهری تلقی شود و این تنظیم رابطه با این هدف اساسی صورت میگیرد که نحوه برخورداری از منابع را برای کنشگران مختلف عرصه حیات شهری معین می سازد و برای تحقق این هدف اساسی باید به سه پایه اساسی توجه نمود : اول مشارکت ، دوم تبیین و قانونمند شدن وجه حقوق و روابط و سوم بعد فرهنگ و آموزش.

نکته مهم در این روند لزوم مشارکت شهروندان در تبیین و تصویب قواعد و موازین مورد نیاز در این حوزه هاست. اگر شهر به همه ساکنان آن تعلق دارد رسماً باید معین شود چرا و چگونه و در چه حدود و ابعادی دولت و شهروندان مکلف و ذیحق هستند و این مهم سنگ بنا و رکن اساسی توسعه شهری است که مصادیق آن همه حوزه های برنامه ریزی، مدیریت، اجرا نظارت و ارزیابی تغییر و تحول در نظام بشری را در بر می گیرد بنابراین تحکیم و تکمیل پایه های حقوقی روابط اجتماعی در زندگی شهری رکن لا ینفک توسعه پایدار شهری است.

مسئله ضروری می باشد که موانع حقوقی و تکلیفی (جهت تحقق مدیریت مشارکتی) رفع گردد و با توجه به اینکه امروزه از لزوم پایبندی بر حقوق و تکالیف شهروندی و مشارکت مدنی صحبت می شود اما ساز و کارهای عینی و اجتماعی استقرار این اندیشه و ضرورت، مستلزم تصویب و ابلاغ رسمی و نهادینه سازی و قانونمند شدن روابط است که در بسیاری از ابعاد و امور جامعه تحقق نشده است.

بنابراین اگر در مدیریت شهری به مشارکت شهروندان نیاز باشد باید دانست این نیروی عظیم مستعد مشارکت بر پایه اعتمادیابی و انگیزه سازی می تواند عملاً توانمندی لازم برای ایفای نقش تکلیفی و برخورداری از حقوق شهروندی خود را بیابد و این امر وابسته به تکمیل ظرفیتهای و فرصتهای حقوقی و قانونمند شدن روابط با اندیشه و حقوق شهروندی است.

تئوریهای تقویت کننده مفهوم حقوق شهروندی

جهان میهنی که تئوری آن ۵۰۰ سال قبل از میلاد توسط فیلسوف یونانی هراکلیتوس مطرح شده و توسط فیلسوفان بعدی از جمله (کانت) تشریح گردید. بعدها مبنای طرح ضمانت اجراهای اخلاقی و وجدانی برای حقوق بشر و شهروندی در سطح فرا ملی قرار گرفت (هیت ۲۰۰۲: ۹۸) لذا باید سرزمین یونان را نقطه طرح حقوق شهروندی دانست.

واژه حقوق در این مفهوم به معنی تخصصی بوده و آن را باید حقوق و تکالیف مردم در قبال همدیگر و در برابر دولت حاکم دانست (کانت) در تشریح این وضعیت صفات زیر را ذاتی و تفکیک ناپذیر یک شهروند محسوب داشته است.

- ۱- اختیارات قانونی: شهروند از هیچ قانونی اطاعت نمیکند مگر قانونی که خود با آن موافقت کرده است.
- ۲- تساوی مدنی: به معنی اینکه با دیگران در وضعیت مساوی قرار دارد و هر تمدیدی نسبت به حقوق او همانند دیگران است و هیچ تبعیضی روا داشته نمی شود.
- ۳- استقلال مدنی: هستی و بقای شهروند در جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست بلکه نتیجه حقوق و استعداد های خاص خود او بعنوان عضو جامعه مشترک منافع است.

از نظر (کانت) شهروندی عبارتست از توانائی و استعداد رای دادن، اما کسی که در جامعه مستقل است که فقط جزئی از جامعه مشترک المنافع نباشد بلکه عضوی از آن باشد، یعنی جزئی که می خواهد بر اساس گزینش خود در جامعه عمل

کند. کانت میان شهروند فعال و منفعل تمایز قائل می شود و حتی شهروندان منفعل را فاقد شخصیت مدنی میدانند در واقع کانت شهروندی به مفهوم خاص را نمودار عضویت و فعالیت شخصی در جامعه به منظور ساختن اجتماع خویش می داند شهروند فقط جایی به معنی واقعی و به مفهوم فعال آن وجود دارد که در امور سیاسی اقتصادی، اجتماعی و اداره شهر خویش مشارکت نماید این وضعیت در واقع تعهداتی را بردوش شهروند می گذارد و شهروند مکلف به اعلام رای خویش (مشارکت سیاسی) انجام تکالیف گروهی (مشارکت اجتماعی) و ایفای نقش در ساختار فرهنگی جامعه خویش (مشارکت فرهنگی) می شود (آنتونی گیدنز) در جامعه در کتاب جامعه شناسی خود (از قول تی اچ مارشال) حقوق مدنی را اینگونه بیان می کند :

۱- حقوق مدنی به حقوق فرد و قانون اطلاق می شود این حقوق شامل امتیازاتی است که بسیاری از ما آنها را بدیعی میدانیم اما بدست آوردن آنها زمانی زیاد طول کشیده است. حقوق مدنی شامل آزادی افراد ، برای زندگی در هر جایی که انتخاب می کنند آزادی بیان و مذهب و حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.

۲- دومین نوع حقوق شهروندی حقوق سیاسی است بویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن

۳- سومین نوع حقوق شهروندی حقوق اجتماعی است که این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می شود. این حقوق شامل حقوق مانند مزایای بهداشتی و درمانی ، تامین اجتماعی و تعیین حداقل دستمزد است و حقوق اجتماعی به خدمت رفاهی مربوط می شود بطور کلی اندیشه در دوران یونان باستان عمیق تر و منسجم تر مطرح شده است و در جهت کلی در آینده نیز تاثیر نمایان نهاد و میراث بزرگ فکری یونان قدیم هنوز از مطرح ترین منابع اندیشه و عقلانی بشر است که بر همه ادوار تاریخی تفکر سایه ای سنگین افکنده است.

این عهد همزمان با دوران پیدایش و بسط و رونق نوعی زندگی سیاسی و زندگی اجتماعی است که آن را دوران شهر یا (پولیس) یا عهد سیتة نام نهاده اند شهر یونان جنبه معنوی و سیاسی دارد و مظهر هویت انسانی است که در آن زندگی می کنند اصالت با شهر است و فرد جزئی در درون شهر است و به یک معنی انسانیت انسان در متن شهر تحقق یا فعلیت می یابد شهر دارای هویت اصلی است و بدون در نظر گرفته آن زندگی فرد بی معنی است.

آئین شهروندی در دولت شهرهای یونان رواج داشت یونانی ها شهروند آزاد را مطرح کردند و هر چه را که به شهر تعلق داشت این شهروند آن را حق حیاتی خود میدانست. کارول ماکس در تبیین دولت شهر سوسیالیستی خود تکیه زیادی بر ویژگی های شهر یونانی دارد اما از نظر او اصلی ترین ویژگی یونانیان که امکان بروز مفهوم شهروندی را فراهم می ساخت فراقت زمانی و آزاد بودن حوزه فکر و عمل یونانیان از پرداخت امر معاش است.

شهروند یونانی به این ترتیب موقعیتی را بدست می آورد که زمانی در فرهنگ روستا در اختیار داشت یعنی بیش از هر چیز یک انسان بود و همه ابعاد انسانی را داشت و در همه بخشهای زندگی به روی وی باز می شد. دولت شهر یونان اجتماع مردمانی بود که از قدرت تصمیم گیری برخوردار بوده و شهروند به شمار می آمدند یعنی فعالیت سیاسی نخستین فعالیت آنان به شمار می آمد.

هر کس برای شهروند بودن می بایست در جلسات انجمن مردم شرکت می کرد و این انجمن سالی چهار بار تشکیل جلسه می داد. بالاترین محل تصمیم گیری به شمار می رفت و این ناشی از بینش مسئولیت بود تا حقوق که در نزد یونانی ها مهم شمرده می شد.

محققین ویژگیهای بارز نسخه معاصر جامعه مدنی و آئین شهروندی را در قالب چند اصل برمی شمردند اصول اخلاقی و سیاسی که هم دامنه جهانی و هم استعداد و قابلیت هم سازی و سازگاری با تنوع و خودمختاری فرهنگی داشته باشند اصولی که بتواند به (شعار جهانی بیانیشیم و محلی عمل کنیم) جامع عمل پوشاند این اصول عبارتند از:

۱- اصل فضای مشترک (the shared space principle)

یعنی هیچ گروهی از شهروندان نباید قادر به انحصار فضاهایی در شهر باشند که برای بسیاری از گروه های دیگر اهمیت دارند مانند پیاده روها، آب و هوا، فضای مجازی شبکه اطلاع رسانی

۲- اصل کالاهای عمومی (the public goods principle)

آن دسته از کالاها که فرد یا گروهی نمیتواند آن را به صورت شخصی تصاحب کند و پیش شرطی برای امکان حضور همه شهروندان در شهر و منطقه است مانند جاده ها، شبکه حمل و نقل، بهداشت عمومی، محیط زیست و... و این کالاها نباید در اختیار گروه خاصی باشد یا از جانب بخش خاصی از شهروندان دچار آسیب گردد.

۳- اصل سهام داری (the stock holding principle)

تمام شهروندان حق شکل دادن به شهر و استفاده از آن را دارند و در مقابل باید متعهد به حمایت از قواعد آن از طریق حمایت مالی با پرداخت مالیاتها باشند

۴- اصل بی طرفی (inparatiiality clause)

هیچ شهروندی بر شهروند دیگر ارجحیت ندارد و مسئولان امور شهر باید بی غرض باشند و در کمک به منافع ارزشهای گروهی خاص در شهر بیش از حد مصر نباشند.

۵- اصل انصاف (equity)

۶- در شهر و جامعه با موارد متفاوت و ناهمگون بصورت یکسان رفتار شود

۷- اصل نسخ پذیری (revocability)

گروه هایی از شهروندان حق صلب آزادی برای عضویت اعضای خود در سایر گروه ها یا خارج شدن از این گروه ها را ندارند

۸- اصل تساهل (tolerance)

از هیچ شهروند یا گروهی از شهروندان نمیتوان انتظار داشت که باورها و اعمال دیگری را بپذیرد با آنها به توافق برسد یا از آنها حمایت کند

باتوجه به اینکه یکی از اهداف مهم اداره کل آموزش و مشارکتها آموزش شهروند می باشد لذا نفوذ در شهروندان و بستر سازی جهت پذیرش آموزشها از سوی شهروندان امری ضروری می باشد در واقع برای تغییر دادن رفتارهای غیر اجتماعی در جامعه و ارتقاء آگاهی های شهروندان و سالم سازی شهر چاره ای جز شناخت دقیق محله ها و مشکلات زندگی شهری و شناخت دقیق سازوکارهای آنها و تحلیل این سازوکارها وجود ندارد.

ویژه گیهای شهروند موثر

- از حوادث و مشکلات جاری آگاهی دارد
 - در مقابل وظایف و نقشهای تفویض شده مسئولیت پذیر است
 - نگران و دل مشغول رفاه و آسایش دیگران است
 - رفتار و عملکرد وی مبتنی بر اصول اخلاقی است
 - نسبت به قدرت افرادی که دارای موقعیت مدیریتی و نظارتی هستند پذیرش دارد
 - توانائی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارد
 - درباره حکومت و دولت خود آگاهی و دانش کافی دارد
 - توانائی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده ها را داراست
 - دارای حس وطن پرستی است
 - نسبت به مسئولیتهای خاص پذیرش مسئولیت دارد
 - از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن آگاهی دارد برای وجود تکثر و تنوع در جامعه احترام قائل است
- مناسبات شهری در دوره های مختلف و جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت است ضروری است همه ما در مورد تعامل در شهر مطالبی را فرا بگیریم تا بتوانیم شهری بهنجار داشته باشیم. مدیران شهری موظفند شرایط فیزیکی و اجتماعی را

فراهم آورند. شهروندان هم مکلفند قوانین و مقررات را رعایت کنند در صورتیکه ساکنان شهر قوائد شهر را نیاموخته باشند کارکردها مختل می شود.

در کشورهای مانند میهن اسلامی مان ایران که فاقد مدیریت واحد شهری هستند همه دست اندرکاران در برنامه ریزی شهر مشارکت دارند.

به هر حال زندگی در جامعه یک زندگی جمعی است برای موفقیت در این نوع زندگی باید از فرد گرایی و منفعت طلبی افراطی دوری نمود و در حد متعادل و مهار شده ای آن را حفظ و نگهداری کرد در این میان شوراهای محلی جایگاه مناسبی برای تمرکز فعالیتها و ابتکارات مردمی جهت حل مسائل شهری و دست یابی به سطح بالاتری از رفاه می باشد و در عین حال باید دقت کرد که این جایگاه دست خوش رقابتهای سیاسی نگردد شوراها در اولین گام خود

**در گروه مومنان کاملترین فرد از جهت ایمان کسی است که اخلاقش از دیگران بهتر است و نسبت به خانواده خود بیشتر مهر و مدارا کند.
پیامبر اکرم (ص)**

مسئولیت رواج فرهنگ شهروندی را دارند و در گام بعدی مسئول سامان دهی به مسائل و مشکلات شهری هستند امید است شهرهای ما به جهشی بزرگ به سوی توسعه همه جانبه پیش روند به امید آن روز.

نکته هایی در مورد آداب طلائی شهر نشینی

شهر خوب

شهر خوب یافتنی نیست بلکه ساختنی است. شهر خوب را شهروندان خوب می سازند در حالیکه خود نیز به همراه آن ساخته می شوند.

راز پیشرفت

راز پیشرفت یک شهر این است :

احترام به شهر اعتبار بخشیدن به شهروند و جلب مشارکت همگانی در نگهداری شهر.

شهر سالم

روی تابلویی نوشته شده است :

اگر جسم سالمی می خواهید ورزش کنید

اگر روح سالمی می خواهید بخندید

اگر شهر سالمی می خواهید شهرتان را تمیز نگهدارید.

انتخاب

سرنوشت هر شهر توسط شهروندان آن شهر رقم می خورد

مگر نمی دانند؟

پرسیدم : مگر شهروندان نمی دانند زباله را راس ساعت درنایلوتهای سر بسته و تفکیک شده (کاغذ-شیشه و...) بایستی در جلوی منازل خود قرار بدهند؟

مگر شهروندان نمی دانند با رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی جان خود و همشهریان خود را به خطر می اندازند؟
مگر شهروندان نمی دانند با ریختن مصالح ساختمانی و سد معبر باعث بروز مشکلات برای سایر همشهریان خود می شوند؟

مگر شهروندان نمی دانند شهردار فقط یک نفر است و نمی تواند بدون مشارکت آنها شهر را بسازد؟

مگر شهروندان نمی دانند زندگی در خانه ای که در مقابل زلزله ایمن نیست یعنی خودکشی جمعی؟

مگر شهروندان نمی دانند رعایت قانون در شهر تنها راه احترام به حقوق خود و دیگران است؟

برگشت و گفت : آنهایی که می دانند و عمل نمی کنند هنوز نمی دانند.

بهترین ها

پرسیدم : بهترین شهروندان کدامها هستند؟

گفت : آنهایی که در اداره بهتر شهر بیشترین همکاری را دارند.

آرامش درون

شهری بود که شهروندانش وقتی می خواستند خانه ای بسازند این سؤال را از خودشان می کردند:

چگونه خانه ای بسازیم که در آن احساس راحتی کنیم؟

شهر دیگری بود که شهروندان آن وقتی می خواستند خانه ای بسازند این سؤال را از خودشان می کردند:

چگونه خانه ای بسازیم که دیگران از آن خوششان بیاید؟

اهالی شهر اول مردمی آرام ، قانع و با صفا بودند

اهالی شهر دوم نتوانسته بودند رضایت خاطر دیگران را جلب کنند و به مردمی عصبانی ، افسرده و پرخاشگر تبدیل شده بودند.

کمک

روی دیوار بزرگی نوشته شده است : شهروندی که به خود کمک نکند راه کمک به نسل بعدی را بلد نخواهد بود.

ارث یا امانت

اهالی شهری عقیده داشتند شهر آنها ارثی است که از پدرشان به آنها رسیده است و سعی می کردند از این ارث پدری خوب استفاده کنند.

اهالی شهر دیگری عقیده داشتند شهر آنها امانتی است که متعلق به فرزندانشان است و بایستی بهتر از همیشه نگهداری شده و به دست فرزندانشان سپرده شود.

امروز شهر اول آلوده ترین شهر کشور و شهر دوم شهر زیبائیه نام گرفته است

رسول اکرم (ص) فرموده اند :

قدمهای هیچ یک از بندگان در قیامت جابجا نمی شود تا مورد چهار پرسش واقع شوند

۱- از عمرش که در چه راه فانی نموده.

۲- از جوانیش که در چه کاری فرسوده اش ساخته.

۳- از عملش که چگونه بوده و چطور انجام داده.

۴- از مالش که از کجا بدست آورده و در چه راهی مصرف نموده است.

شہادت
روابط عمومی